

نظام‌های ترویج خصوصی

دکتر عزتاله کریمی و مهندس ابوظالب فنایی

اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

۱) ترویج کشاورزی، توسعه و بورکراسی

نظریه‌های معاصر توسعه بر اهمیت بخش کشاورزی و روستایی کشورهای جهان سوم در دستیابی به اهداف توسعه و رشد اقتصادی تاکید دارند (Myint,1975; Reynolds,1975; Todaro,1977) سیاستها و رهیافت‌های گوناگونی برای رسیدن به توسعه روستایی طراحی شده است، اما یک روش مشترک در راهبردهای توسعه روستایی، برپایی یک سازمان ترویج کشاورزی دولتی است که در جهت افزایش تولیدات کشاورزی تلاش می‌کند. این نظام‌های ترویجی اغلب بر مبنای «رهیافت بهبود» توسعه روستایی استوار است که در پیشبرد روش‌های کشاورزی زارعان با تلاش در زمینه‌های روانی و تکنیکی برای افزایش بازده، بدون ایجاد تغییرات اجتماعی بنیادین در نظام، کوشش می‌کند (Long,1977). فرض کلی این رهیافت این است که دولت، مسئول ترویج کشاورزی است (Leonard,1977). به همین دلیل جایگاه خدمات ترویجی اغلب در بورکراسی‌های ملی به عنوان بخشی از وزارت کشاورزی است (FAO,1971). افزون بر این، این گونه فعالیتها بخش چشمگیری از بودجه‌ی عمومی را به خود تخصیص می‌دهند.

ارزیابی بازده خدمات ترویجی به طور تجربی مشکل است (Chambers,1969; Iele,1975). اما در مورد توانایی بورکراسی‌ها برای ارائه خدمات موثر به روستاییان، تردیدهایی جدی اظهار شده است. (McClum,1980, Jiggins,1979, Islam,1973). عملکرد وضعیت خدمات ترویجی در کشورهای

مختلف متفاوت است، اما تعدادی از مشکلات متداول در پیشینه نگاشته‌ها از این قرار است.

الف) مقاومت در برابر تغییر

بسیاری از کارکنان ترویج، مشکل اصلی خود را مقاومت زارعان در برابر تغییر می‌دانند. مشاهدات آکادمیک، این ادعا را گواهی می‌دهند. دی‌واید (Dewilde, 1967) بیان می‌کند که محافظه‌کاری زارعان می‌تواند مسئله‌ای اساسی باشد و دومنت و روزیر (Dumoit & Rosier 1969) اشاره کرده‌اند که مقاومت فرد و یا گروه برای پذیرش ایده‌های نو ممکن است از مقوله دفاع از خود باشد.

ب) پیچیدگی کار

سازمانهای ترویج نوعاً در مناطقی کار می‌کنند که واحدهای تولید، پراکنده‌اند، عوامل تولید قابل تغییرند و تهیه و ارائه نهاده‌ها، زمان‌بر است (Moris, 1973) در چنین محیط نهادی مشکلی، امکان خطا زیاد و عملکرد ضعیف است.

ج) محدودیتهای سازمانی و مدیریتی

مطالعات ساختار سازمانی و مدیریت ترویج، مسائل متعددی را که سبب کاهش بازده ترویج می‌شوند، مشخص کرده است. از آنجا که نظامهای ترویجی بخشی از بورکراسی ملی است، دچار همان مشکلاتی هستند که نوعاً «در سازمانهای دولتی یافت می‌شود. این مشکلات در برگیرنده کمبود تواناییهای کارفرمایی^۲، گرایش سست آنها در تصمیمگیری و عدم توانایی آنها در واکنش نسبت به اطلاعات دریافتی» است (lele, 1975). آنها اغلب به شدت متمرکز، انعطاف‌ناپذیر و در تطبیق با گوناگونی‌ها ناتوانند (Hunter, 1970). مروجان کشاورزی ممکن است زارعان را به‌عنوان کسانی بنگرند که در انتهای یک سلسله مراتب اداری قرار دارند و به‌جای توصیه و کمک به آنها دستور صادر کنند (Mckillop, 1974). کارکنان به شیوه‌های بورکراسی تمایل پیدا می‌کنند و بیشتر خود را وقف کارهای اداری بدون بازده می‌سازند تا تماس با زارعان (Hunter, 1970). افزون بر این ممکن است در اثر ناهماهنگی فعالیتهای قسمت‌های مختلف بورکراسی، مشکلات برونی نیز پدیدار شود (Chambers, 1974).

د) محدودیتهای نیروی کار

بسیاری از صاحب‌نظران به مشکلات ناشی از منزلت پایین کار ترویج کشاورزی (Benor and Harrison, 1977) و تمایل کارکنان ترویج به اینکه فعالیتهای سازمان را ضعیف ارزیابی کنند، (Chambers, 1974)، اشاره کرده‌اند. پیامد این امر، پایین بودن استانده (استاندارد) تحصیلی، انگیزه ضعیف، کمبود دانش فنی و بالا بودن میزان ترك خدمت در بین کارکنان می‌باشد.

ه) کمبود پژوهشهای مناسب و ارتباط ضعیف بین کارکنان ترویج و پژوهش

عدم تماس بین موسسه‌های پژوهشی کشاورزی و سازمانهای ترویجی بروشنی ثابت شده است (Lakoh and Armhod, 1981; Leonard, 1977; Lele, 1975; Eicher, 1970; Chambers, 1974). منتقدان حتی اظهار می‌دارند که پژوهشها برای در نظر گرفتن تفاوت‌های محیطی محلی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی زارعان خرده پا ناتوان می‌باشند. حتی زمانی که پژوهشهای مناسب صورت می‌گیرد، نتایج اغلب به مروجان انتقال نمی‌یابد.

ز) کمبود خدمات حمایتی

سازه دیگری که به‌عنوان دلیل ضعف بازده ترویج عنوان می‌شود. کمبود خدمات حمایتی است. کارکنان، ترویج معمولاً از کمبود وسیله‌نقلیه انتقاد می‌کنند (Chambers, 1974; Lele, 1975; Mckillop, 1974). برای مقابله با مسائل یاد شده و توانا ساختن سازمانهای ترویج برای رویارویی با چالشهای توسعه روستایی، مطرح شده است. بیشتر این طرحها برنیاز به تغییرات ساختار سازمانی و شیوه مدیریت تاکید دارند (Benor and Harrison, 1977; Leonard, 1970). توجه دیگر طرحهای اصلاحی بر بهبود کیفیت کارکنان ترویج از طریق آموزش، بالابردن حقوق و شرایط و استخدام کارکنانی با تحصیلات بالاتر، متمرکز است (Coombs and Ahmed, 1974). ناکامی در اصلاح سازمانهای ترویج به پیشنهاد طرحهای بنیادینی مانند واگذاری ترویج به مردم روستا از طریق راهبردهای مشارکت‌گرا^۳ (Kuitenbrouwer, 1981; Wanasinghe, 1978) و یا دادن حق انتخاب مروج به روستاییان، انجامیده است. مثال بارز این امر در برنامه‌های ایجاد تحرك افريقای فرانسه زبان می‌توان دید (Goussant, 1968). به همین شکل در تانزانیا با جایگزین کردن سیاست او جاما^۴ به‌جای رهیافت متداول ترویج، تلاش شد تا ترویج از قیود بورکراسی آزاد شود (Maeda, 1981; Long, 1977). استیو (Stavis, 1978) به کارگیری الگوی چین را یادآوری می‌کند که در آن پژوهشهای ترویج یکپارچه شده‌اند و گروههای کشاورزی - فنی

محلی، تکنولوژی را توسعه و گسترش می‌دهند. هرچند چنین طرحهایی، از نظر سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان سوم قابل اجرا نیست.

گزیداری دیگر، اما بنیادین، باطل شمردن این فرض است که ترویج کشاورزی، از مسئولیتهای دولت است. هرچند بندرت به این موضوع پرداخته شده است، خصوصی کردن خدمات ترویج هم‌اکنون در کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته در حال اجراست و بررسی پتانسیل‌ها و کاربرد آن درخور توجه است. خصوصی شدن فعالیتهای ترویج ممکن است به شکل يك كسب خصوصی (آزاد) و یا تاسیس موسسه‌های مبتنی بر اصول تجاری^۵ و مستقل از خدمات عمومی ملی باشد. موسسه‌های مبتنی بر اصول تجاری، مزیت برخورداری از حمایت دولت را دارا هستند. بخشهای بعدی، مداخله‌گری سرمایه‌گرایی در خدمات ترویجی در گینه جدید^۶ و استرالیا را مورد بررسی قرار می‌دهند.

۲) مداخله‌گری سرمایه‌گرایانه در ترویج کشاورزی در گینه جدید

سازمان ترویج کشاورزی در گینه جدید، شبیه بسیاری از کشورهای دیگر، نیز در دوره استعمار تاسیس شد. پس از جنگ جهانی دوم، وزارت کشاورزی که ارائه خدمات ترویجی کشاورزی جزئی از آن بود، افزایش یافت. تعداد کارکنان از ۸۹ نفر در سال ۱۹۴۹، به ۱۶۰۰ نفر در سال ۱۹۶۷ افزایش یافت که از این تعداد، ۱۰۰۰ نفر آنها در بخش ترویج و بازاریابی مشغول بودند (Shand, 1969). این سازمان با وجود تخصیص منابع فراوان به ترویج کشاورزی و عملکرد آن در کشور، مورد انتقاد فراوانی قرار گرفته است (Faber et al, 1973; Allen, 1977; Tovue, 1974; Mckillop, 1974). این انتقادات به بررسی خدمات ترویجی و ارائه طرحهایی برای سازماندهی دوباره ترویج در اواسط دهه ۱۹۷۰ انجامید (Crouch, 1981)، اما هیچ تغییر اساسی اجرا نشد. با توجه به عدم رضایت نسبت به خدمات موجود، تعدادی شرکتهای خصوصی و سازمانهای مبتنی بر اصول تجاری، ارائه خدمات ترویج کشاورزی را در شرایطی آغاز کرده‌اند که به‌طور متداول مسئولیت بخش عمومی تلقی می‌شد.

تاکنون چشمگیرترین حرکت در این جهت به‌وسیله بانک توسعه گینه جدید^۷ که سازمانی مبتنی بر اصول تجاری است، صورت گرفته است. با توجه به شکست پروژه‌های بانک برای زارعان خرده پا که خدمات ترویجی آن به‌وسیله سازمان ترویج دولتی ارائه می‌شد، خدمات ترویجی را آغاز کرده است. متخصصان کشاورزی از بین فارغ‌التحصیلان کالجهای دولتی استخدام شده‌اند تا وظایفی را برعهده گیرند که قبلاً تصور می‌شد مسئولیت سازمان ترویج دولتی است. هزینه ارائه خدمات فنی از وامی که بانک به زارع می‌دهد کسر می‌شود.

در يك پروژه، بانک بر روی يك طرح بیست هکتاری قهوه فعالیت می‌کند. تحت شرایط این برنامه، گروه

روستاییان وامی در حدود ۱۰۴۰۰۰ دلار دریافت می‌کند تا کشتاری با اندازه متوسط در زمینهایی که قبلاً با نظامهای سنتی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، ایجاد کنند. یکی از شرطهای دریافت وام این است که گروه زمینداران، یک موسسه مدیریت کشاورزی را استخدام کنند تا به آنها خدمات و توصیه‌های فنی در زمینه‌هایی ارائه کنند که قبلاً وظیفه سازمان ترویج دولتی به‌شمار می‌آمد. هم‌اکنون بانک ۶ موسسه را که می‌توانند خدمات لازم را ارائه دهند، مورد تایید قرار داده است و ۵ واحد از این موسسه‌ها، خصوصی هستند، در حالی که ششمین مورد، موسسه ملی مدیریت کشتها، موسسه‌ای است مبتنی بر اصول تجاری (Trebilcock, 1982) موسسه‌ها سالانه دستمزدی در حدود ۲۱۰۰ تا ۶۵۰۰ دلار برای خدمات ارائه شده از گروه روستاییان دریافت می‌کنند. در ابتدا این هزینه از وام بانک پرداخت می‌شود، اما پس از به‌بازده نشستن پروژه، این هزینه از درآمدها پرداخت می‌شود. ۹۰ پروژه بیست هکتاری تاکنون تاسیس شده است، و ۵۰۰ روستای دیگر نیز برای آغاز پروژه اظهار علاقه کرده‌اند.

در صنعت مرغداری که تلاشهای ترویج دولتی در طول دهه گذشته چندان موفق نبوده نیز فعالیتهای همانندی را می‌توان مشاهده کرد. در قسمت دورافتاده‌ای از کشور نیز یک شرکت استخراج معادن از تلاشهای دولت در پروژه‌های کشاورزی روستاهایی که مواد غذایی تازه جهت معدنچیان تامین می‌کردند ناراضی بود. بنابراین، اقدام به استخدام چهار کارشناس کشاورزی جهت ارائه توصیه‌های فنی در بازار رسانی تولیدات کشاورزی به زارعان کرده است (Hulme, 1983). در این پروژه تعداد زیادی از زارعان خرده پا مشارکت دارند. البته شرکت استخراج معادن، هزینه‌ای از زارعان دریافت نمی‌کند زیرا این فعالیتهای برای شرکت کاملاً سودآور است. زیرا اولاً، این فعالیتهای سبب افزایش تولید در منطقه گردیده و در نتیجه، شرکت نیازی به خرید تولیدات از مناطق دورتر و پرداخت هزینه حمل‌ونقل ندارد. دوم اینکه شرکت معتقد است که افراد محلی مجاور معدن باید از وجود معدن سود اقتصادی ببرند، زیرا در درازمدت ممکن است به‌عدم تعادل‌هایی در منطقه و در نتیجه ناآرامی بینجامد. بنابراین به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری خصوصی، شرکت، مسئولیت ترویجی را برعهده گرفته است که قبلاً وظیفه سازمان ترویج دولتی به‌شمار می‌آمد.

نمونه دیگری از دخالت بخش خصوصی در فعالیتهای ترویج کشاورزی را در یکی دیگر از استانها (East New Britain Province) می‌توان دید. در یک کشتار کاکائو زارعان خدمات فنی و ترویج را از یک شرکت خصوصی دریافت می‌کنند. هزینه این خدمات به‌صورت درصدی از تولیدات در هنگام فروش پرداخته می‌شود. بدین طریق محصول، بیشتر به معنی درآمد بیشتر برای شرکت است و فکر می‌شود که این امر انگیزه لازم برای فعالیت ترویجی بیشتر را به‌وجود آورد (Manning, 1981).

در حالی که مثالهای بالا حاکی از خصوصی شدن تمام عیار خدمات ترویجی در کشور گینه جدید

نیست، اما نشاندهنده تمایل روبه رشد شرکت‌های خصوصی و سازمانهای مبتنی بر اصول تجاری برای ارائه خدماتی است که به‌طور متداول به‌عنوان مسئولیت بخش عمومی تلقی می‌شد. یک دهه پیش، تمام کارکنان ترویج کشاورزی، حقوق‌بگیر دولت بودند. امروزه بخش فزاینده‌ای از کارکنان ترویجی به‌وسیله موسسه‌های خدماتی غیردولتی استخدام شده‌اند.

۳) نظام ترویج خصوصی در استرالیا

مشاوران حرفه‌ای کشاورزی سهم بسزایی در فرایند ترویج در مناطق روستایی استرالیا طی بیست سال گذشته داشته‌اند. در ادامه این بحث، نخست خدمات ترویج تجاری در استرالیا از دیدگاه تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس بر مبنای مطالعات موجود (Hudson, 1987) به بحث پیرامون دیگر جنبه‌های این نظام خواهیم پرداخت.

۳-۱) دیدگاه تاریخی

تولیدکنندگان روستایی، پذیرش مفهوم پرداخت هزینه برای دریافت توصیه‌های کشاورزی را از اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز کردند. رشد چنین خدمات حرفه‌ای، متأثر از دامنه‌ی گسترده‌ای از شرایط دربرگیرنده، نیاز به برخی خدمات شخصی، گسترش سطح زیرکشت زمینهای زراعی و کمبود نیروی ترویج عمومی در بعضی از بخشهای تولیدی و یا مناطق جغرافیایی بوده است. در اوایل دهه ۱۹۶۰، «رهیافت تمام‌گرایانه مزرعه»^۸ مورد توجه قرار گرفت و تقاضا برای توصیه‌های یکپارچه‌ی مالی و تکمیلی افزایش یافت و بازاری را به‌وجود آورد که پیش از آن وجود نداشت. باشگاههای زراعی و گروههای مشاوره‌ای بسرعت در نقاط مختلف استرالیا به‌وجود آمدند و رشد کردند. رشد سریع صنعت مشاوره‌ای خصوصی به‌دلیل خشکسالی ۶۶-۱۹۶۵، بشدت کاهش یافت، دیگر سازه‌های ایجادکننده رکود اقتصادی روستایی مانند کاهش قیمت پشم در سال ۱۹۷۰-۱۹۷۱ نیز بازدارنده رشد بوده‌اند. در مقابل پیشرفتهای اقتصادی، ایجاد رشد گروههای مشاوره‌ای خصوصی بوده‌اند. موج جدید مشاوران روستایی، نوآور، خوشبین، و کم‌تجربه‌تر از آن بودند که می‌توانستند باشند. در استرالیا تقاضای چشمگیری در سطح بین‌المللی برای گروههای مشاوره‌ای کشاورزی که از نظر مالی و اجتماعی جذابتر نیز بود در گروههای مشاوره‌ای داخلی بی‌تاثیر نبود. در حدود ۱۹۸۰؛ رشد مداوم و چشمگیر مشاوره‌ای خصوصی صورت پذیرفته بود. پیشرفت بعدی در این زمینه تغییر بود که در شرکتهای تولیدکننده موادشیمیایی کشاورزی و بذر به‌وجود آمده بود. در این شرکتهای در حالی که تولیدکنندگان کشاورزی، هزینه مستقیمی را پرداخت نمی‌کرده‌اند، اما مطمئناً هزینه

غیرمستقیمی را می‌پرداختند. در برخی از بخشهای تولیدی، توصیه‌های فنی به‌وسیله عرضه‌کنندگان تجاری، امری متداول و مهم شد. برای مثال در تولید پنبه و باغبانی، شواهد موجود نشان می‌دهد که در طی ۲۰ سال گذشته، این‌گونه خدمات در بخشها اختصاصی شده‌اند. از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر تفاوت‌های زیادی را در این خدمات می‌توان مشاهده کرد، به‌طوری که نواحی پرارزش و پرمحصول، توجه زیادی را دریافت می‌کنند و نواحی حاشیه‌ای^۹، پتانسیل کمتری داشته و توجه کمتری را جلب می‌کنند. مشاوران کشاورزی، این نوع فعالیتهای شرکتها را مکمل کار خود و گاهی آنها را بی‌اثر می‌دانند و تشخیص می‌دهند که نیاز کشاورزان به توصیه‌های بیشتر، پرهیزناپذیر می‌باشد.

از سال ۱۹۸۷ مشاوران کشاورزی داخلی فعالیت خود را در شرایطی رقابتی انجام می‌دهند. ترویج عمومی همیشه به شکلی در رقابت با آنها بوده است. فشار مشاوران که برای توصیه‌های خود هزینه طلب می‌کنند (حسابداران، وکلاء) و خدمات تجاری رایگان سبب افزایش حرفه‌گرایی^{۱۰} و یکپارچگی^{۱۱} مشاوران ترویج خصوصی شده است، خدمات مشاوره‌ای روستایی تجاری در طول ۲۵ سال گذشته دوره‌های بحرانی را طی کرده‌اند که برخی ناشی از ضعف خودشان و پاره‌ای ناشی از شرایط اقتصادی تولیدی بوده است. اما در شرایط کنونی، آنها به درجه‌ای از رشد و تکامل دست یافته‌اند.

۳ - ۲) خدمات عرضه شده توسط مشاوران کشاورزی

در اوایل دهه ۱۹۶۰، مشاورانی که با مخاطبان کشاورز کار می‌کردند، نسبت به اینکه چه خدماتی باید ارائه شود و اینکه خدمات چگونه باید ارائه شود، در کمی ابتدایی داشتند. افزون بر این، مخاطبان نیز در مورد این خدمات اطمینان نداشتند. این صنعت جدیدی بود و کشاورزان به دلایل مختلف به باشگاههای زراعی پیوسته بودند. به‌طور کلی همه کسانی که در این فعالیت دخالت داشتند، در فرایند فراگیری بودند. بین آن زمان تاکنون تکامل عظیمی صورت پذیرفته است. مشاوران بهتر آموزش دیده‌اند، با تجربه‌تر و در عرضه خدمات خود عینی‌تر شده‌اند. مخاطبان نیز در انتخاب مشاوران دقیقتر، آموزش دیده‌تر شده و درک بسیاری از نیازها و انگیزه‌های خود دارند.

علت ارباب‌رجوع بودن مخاطبان دهه ۱۹۶۰ به دلیل فشار همقطاران، کنجکاو، نیاز، تنهایی حرفه‌ای و یا خواستی واقعی برای پیشرفت بود. امروزه، مخاطبان به دلیل فشار و سرعت تغییرات تکنولوژیک و پذیرش اینکه رسیدن به اهداف وسیله به کارگیری مهارتهای حرفه‌ای امکانپذیرتر می‌باشد، ارباب رجوع هستند. برای درک بهتر تغییرات از سال ۱۹۶۰ تا زمان حاضر، به شرح گزارش پیمایشی^{۱۲} (Hudson, 1987) در مورد ده گروه مشاوره‌ای اصلی در استرالیا می‌پردازیم.

۳-۲-۱) الگوی کشاورز ارباب رجوع

بررسی نشان می‌دهد که يك کشاورز ارباب رجوع گروه‌های مشاوره‌ای تجاری کشاورزی، دارای این مشخصات است؛ به‌طور متوسط ۲۹/۶۰ ساعت وقت مشاوره سالانه مصرف می‌کند و میانگین سنی وی ۴۵ سال است. به‌طور متوسط مزرعه‌ای برابر ۱۷۶۶ هکتار، ۴۶۷ گوسفند و ۱۰۲ راس گاو دارد و سالانه ۶۰۲ هکتار زمین را کشت می‌کند.

۳-۲-۲) توسعه خدمات عرضه شده

روشن کردن تغییرات در خدمات ارائه شده و خواسته شده، از اهداف پیمایش انجام شده بود. همچنین پیشبینی جهتگیری‌ها در دهه ۱۹۹۰ نیز مورد نظر بود. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود در حالی که عرضه توصیه‌های مدیریت مزرعه‌ای، ثابت باقی مانده است، تغییر در خور ملاحظه‌ای از توصیه‌های فنی به توصیه‌های مالی مشاهده می‌شود. یکی از دلایل این امر بالارفتن سطح دانش کشاورزان و در نتیجه توانایی آنان درواکاوی، ارزیابی و به‌کارگیری تکنولوژیهای سنجیده است. تقاضا برای خدمات مالی از خشکسالی دهه ۱۹۶۰ و رکود بهای پشم در ۱۹۷۰-۱۹۷۱ زمینه یافت. تقاضا برای خدمات و توصیه‌های مالی حاصل تلاش کشاورزان برای کسب درآمد در شرایط اقتصاد نامطلوب است. در طول همین دوره، سرویسهای ترویج عمومی، کوشش کردند تا ارائه‌ای خدمات فنی خود را ادامه دهند. این امر بویژه در زمینه زراعت، علف‌کش‌ها، دامپروری و حفاظت خاک انجام شده است. پیمایش، پیشبینی کرد که خدمات توصیه‌های مالی و مدیریت مالی، در دهه ۱۹۹۰ نیز بیشترین تقاضا را خواهند داشت.

جدول شماره: ۱

خدمات مشاوره‌ای عرضه شده برحسب درصد زمان اختصاص یافته به خدمات مختلف

نوع خدمات	سال ۱۹۹۷	سال ۱۹۸۷
	%	%
توصیه‌های فنی	۵۶	۲۱
توصیه‌های مدیریت مزرعه‌ای	۲۹	۲۷/۵
توصیه‌های مالی	۱۲	۴۱/۵
توصیه‌های مالی و حسابداری	۲	۶/۸
سایر	۱	۴/۹

چالش^{۱۳} های کار مشاوره‌ای

مشاوران کشاورزی امروزه با چالش‌های فکری و فیزیکی گوناگونی روبرو هستند. فشار اصلی ناشی از تلاش برای بهنگام بودن با تکنولوژی جدید و مسائل مخاطبانی است که به وسیله اطلاعات متضاد از منابع مختلف مورد هجوم قرار می‌گیرند و تقاضا دارند که مشاوران، اطلاعات مربوط و نامربوط را برای آنها تفکیک کنند. رقابت با دیگر مشاوران گوناگون، مسئله مهم دیگری است. علایق متضاد، تقاضاهای مصرف‌کنندگان، تغییرات در بازار، چالش‌های دیگری است که مشاوران با آن روبرویند.

مشاور، فردی مسئله‌گشا، منبع اطلاعات تکنیکی و فنی و بیش از هر چیزی تسهیل‌کننده تغییرات است. او باید نوآور و به‌وجود آورنده موقعیتها برای مخاطبان خود باشد. باید ذهنی خلاق داشته باشد، برای انجام این خدمات، مشاوران منفرد نمی‌توانند موفق باشند و گروه‌های مشاوره‌ای کشاورزی، امکانات بیشتری برای توفیق در اختیار خواهند داشت.

۵) کاربرد مداخله‌گری سرمایه‌گرایانه در ترویج کشاورزی

هنوز بسیار زود است که بتوان نتایج و اثرات خدمات ترویج خصوصی را ارزشیابی کرد. اما نشانهای اولیه حاکی از این است که شرکتهای خصوصی و سازمانهای مبتنی بر اصول تجاری ممکن است افزایش تولیدات کشاورزی و سطح زیرکشت محصولات نقدی، تواناییهایی داشته باشند. شولز (Schulz, 1977) نتایج همانندی را در افریقا گزارش کرده است. ساختار سازمانی و شیوه مدیریت چنین موسسه‌هایی غالباً بسیار بیش از بورکراسی‌های پیشرفت‌گراست.^{۱۴} اغلب آنها می‌توانند حقوق و شرایط بهتری از دولت برای کارکنان فراهم کنند. به‌همین دلیل می‌توانند متخصصان کشاورزی تحصیل کرده‌تر و دارای انگیزه بالاتر را استخدام کنند. افزون بر این، چنین سازمانهایی اغلب ابزار بیشتری برای وادار کردن زارعان به پذیرش روشهای جدید دارند. بنابراین، موسسه‌های بخش خصوصی می‌توانند به افزایش تولید زارعان خرده پا کمک کنند که هدف اساسی بیشتر برنامه‌های توسعه ملی غالب کشورهای در حال توسعه است. در همین حال، ترویج کشاورزی توسط سازمانهای غیردولتی این اجازه را به دولت می‌دهد که کارکنان ترویج خود را دوباره تخصیص داده به‌طور متمرکزتری آنها را در دیگر مناطق به کار گیرد.

تمام اثرات خصوصی کردن ترویج ضرورتاً مفید نیست. یکی از آشکارترین آنها این است که خدمات بخش خصوصی در سرتاسر کشور ارائه نمی‌شود. تلاشها در ناحیه‌هایی متمرکز می‌شود که زمین‌داران بتوانند سودبری داشته باشند و در نتیجه، درآمد موسسه‌ها به‌حد اکثر برسد. موسسه‌های خصوصی به‌طور اجتناب‌ناپذیری فعالیتهای خود را در شرایط محیطی مطلوب مانند خاکهای حاصلخیز و وجود ساختارهای

زیربنایی مناسب متمرکز می‌کنند. چنین تمایلاتی، انگاره‌های نابرابری موجود در توزیع درآمدهای روستایی و ارائه خدمات را تقویت می‌کنند. وجود این تمایلات، گسترش خدمات ترویجی دولتی را در نواحی دورافتاده‌تر و عقب‌مانده‌تر ضروری می‌سازد. حتی در داخل یک ناحیه نیز ممکن است ترویج خصوصی، نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی را افزایش دهد. سازمانهای ترویج کشاورزی در کشورهای جهان سوم همواره نوعی سوگیری به نفع زارعان بزرگتر را نشان داده‌اند (Lipton, 1968, Dube, 1958, Ch) (ambers, 1974) و به نظر می‌رسد سازمانهای بخش خصوصی حتی با شدت بیشتری این سوگیری را حفظ کرده و انگاره‌های طبقه‌بندی در داخل جوامع زارعان را افزایش می‌دهند. برای کسب حداکثر سود، موسسه‌ها تمایل دارند که خدمات خود را به افرادی ارائه دهند که احتمال توفیق آنها زیاد باشد. اینها معمولاً افرادی تحصیل کرده‌تر هستند که سرمایه زیادتر، دسترسی بیشتر به زمین و احتمالاً کسب و کارهای دیگری نیز دارند. به نظر نمی‌رسد ارائه خدمات ترویجی به کشاورزان معیشتی، محافظه کار و کم زمین، چندان برای کسبهای سرمایه‌گرایانه جالب باشد. هدف موسسه‌های خصوصی برافزایش تولیدات کشاورزی متمرکز است نه بر توزیع تولیدات.

سوگیری دیگر در خدمات ترویجی به وسیله بخش خصوصی، تاکید بر محصولات نقدی است. برای کسب درآمد، موسسه‌های خصوصی در پروژه‌هایی مشارکت می‌کنند که فروش محصول و تبدیل آنها به پول نقد براحتی امکانپذیر باشد. بنابراین، بخش خصوصی نمی‌تواند در خدمات ترویجی که سبب بهبود کشاورزی زارعان معیشتی و بالارفتن سطح تغذیه، که از هدفهای اساسی در توسعه شناخته می‌شود، نقش داشته باشد.

آخرین پیامد رشد موسسه‌های ترویجی بخش خصوصی و مبتنی بر اصول تجاری، ضعیفتر شدن خدمات ترویجی دولتی موجود است. موسسه‌های خصوصی مبتنی بر اصول تجاری می‌توانند کارکنان کشاورزی پویاتر و بهترین فارغ‌التحصیلان کشاورزی را با پرداخت شرایط استخدامی جالبتر جذب کنند. این سبب کاهش کیفیت کارکنان دولت می‌شود. افزون بر این، کارکنانی که در خدمت ترویج دولتی باقی می‌مانند ممکن است به دلیل شرایط کاری نامطلوب‌تر و حقوق کمتر، روحیه خود را از دست بدهند و کیفیت کار آنها بازم کاهش یابد.

در پایان، بر مبنای تجارب موجود می‌توان از پدیده ترویج خصوصی، چند نتیجه گرفت. مهمترین آن این است که در حالی که ممکن است این گونه موسسه‌ها بتوانند رشد اقتصادی را افزایش دهند، به نظر نمی‌رسد بتوانند به هدفهای گسترده‌تر توسعه روستایی که پذیرش عام دارند، دست یابند (مانند بهبود بازده، ایجاد اشتغال و در نتیجه افزایش درآمد تهیدستان روستایی...) (World Bank, 1975). در واقع، با نادیده گرفتن تهیدستان روستایی در فعالیتهایشان، موسسه‌های خصوصی ترویج ممکن است

کسانی را که موقعیت بدی دارند، به طور نسبی در موقعیت بدتری قرار دهند. به عنوان یک پیامد رشد ترویج بخش خصوصی، دولت باید سیاستهایش را تغییر داده سازگار کند. سیاستهای ایجاد برابری باید در نواحی محرومتر با شدت و جدیت بیشتری دنبال شود. تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که تلاشها برای دوباره سازماندهی و بالابردن بازده خدمات ترویجی بوروکراسی تاثیرات مادی اندکی بر مردم روستایی داشته است. اگر دولتها در انجام چنین فعالیتی شکست بخورند، خصوصی کردن ترویج کشاورزی به رشد بدون برابری می‌انجامد.

REFERENCES

- * ALLEN, B.J.(1977). Formal and Informal Information Systems and Rural Change in Papua New Guinea, Australian Geographer, 13(5), PP.332 - 8.
- * BENOR, D. and J.HARRISON (1977). Agricultural Extension: The Training and Visit System. The world Bank, Washington D.C.
- * CHAMBERS, R.(1969). Settlement Schemes in Tropical Africa, London Routledge and Kegan Paul.
- * CHAMBERS, R.(1974). Managing Rural Development: Ideas and Experience From East Africa, Uppsala, Scandinavian Institute OF African Studies.
- * COOMBS, P.H.& AHMED, M.(1974). Attacking Rural Poverty: How Nonformal Education Can be Help, Baltimore, John Hopkins University Press.
- * CROUCH, B.R. (1981). An Integrated Extension Service in Papua New Guinea. In: Extension Education and Rural Development, (Crouch, B.R.& Chamala, S.(eds.), Chichester, Wiley, pp.255 - 66.
- * DUMONT, R.& ROSIER, B.(1969). The Hungry Future, London, Ander Deutsch.
- * EICHER, C.K.(1970). Research on Agricultural Development in Five English Speaking Countries in West Africa, New York, Agricultural Development Council.
- * FABER, M.L.O., McFARQUHAR, A.M.M., HART, J.K.& DIDDENS, J.D.(1973). A Report on Development Strategies for Papua New Guinea, Port Moresby, Office of the Chief Minister.
- * FAO (1989) The Current Status of Agricultural Extension World wide Rome: FAO
- * GOUSSAULT, Y.(1968). Rural «Animation» and Popular Participation in French - Speaking Black Africa, International Labour Review, 97, pp.525 - 50.
- * HUNTER. G.(1973). The Administration of Agricultural Development london, Oxford University Press.
- * ISLAM, M.A. (1973). Civil servants Fail to Serve, Ceres. 6(1), pp.41 - 4.
- * JIGGINS, J.(1979). Regional alternative to Ministries of Agriculture: Agricultural Development Projects in Malawi, Nigeria and Ghana, Agricultural Administration, 6(2), pp.89 - 97.
- * KUITENBROUWER, J.B.V.(1981). The Dialectics of Class and State Formation and of Development Policy in Papua New Guinea, I.S.S. Occasional Paper No.86, The Hague, Institute of Social Studies.
- * LELE, U. (1975). The Design of Rural Development: Lessons from Africa, Baltimore, Johns Hopkins University Press.
- * LEONARD, D.K. (1977). Reaching the Peasant Farmer: Organization Theory and Practice in Kenya, Chicago, University of Chicago Press.

* LEONARD, D.K.(1970). Some Hypotheses concerning the Organization of Communication in Agricultural Extension, Institute for Development Studies Staff Paper No.72, Nairobi, University of Nairobi.

* LONG, N.(1977). An Introduction to the Sociology of Rural Development, London, Tavistock Publications.

* McCALLUM, A., (1980) Devolution and rural development: unsnarling the bureaucracy, Ceres, 13(2), PP. 36 - 40.

* McKILLOP, R., (1974) The agricultural extension services in Paqua New Guinea, Port Moresby, Department of Agriculture, Stock and Fisheries.

* MANNING, M., & SUBRAMANIAM, A., (1981). New Massaua proposal: A feasibility study, Rabaul, New Guinea Islands Produce Company.

* MORIS, J.R.,(1973) Managerial structures and plan implementation in colonial and modern agricultueal extension. In: Rural administration in Kenya (Leonard, D.K. (Ed.). Nairobi, East African Literature Bureau.,

* MYINT, H., (1975). Agricultural and economic development in the open economy. In: Agricultural in development theory (Reynolds, L.G. (Ed.). New Haven, Yale University Press, PP. 327 - 54.

* REYNOLDS, L.G., (1975). Agricultural in development theory: An overview, In: Agricultural in development theory (Reynolds, L.G. (Ed.). New Haven, Yale University Press, PP. 1 - 24.

* STAVIS, B.(1978), (Agricultural research and extension in China, World Development, 6(5), PP.631 - 46.

* SCHULTZ, M. (1977). Organizing Extension Service for Integrated Rural Development in West and East African Countries - The Commodity Approach. Sociologia Ruralis, 17, (1/2), 87 - 106.

* TODARO, M., (1977). Economics for a developing world, London, Longmans.

* TOVUE, J.C., (1974). Agricultural extension in Papua New Guinea: The farmer's viewpoint, Port Moresby, Department of Agricultural, Stock and Fisheries.

* TREBILCOCK, M.J., (1982). public enterprises in Papua New Guinea, Port Moresby, Instifule of National Affairs.,

* WANASINGHE, S.A. (1978). concluding review: Development policies, bureaucracies and rural organisations in Asia. In: Rural organisations and rural development: Some Asian experiences. [Inayatullah (Ed.)], Kuala Lumpur, Asian and Pacific Development Administration Centre, PP. 471 - 511.

* DE WILDE, J.C., (1967). Experiences with agricultural development in Tropical Africa, Baltimore, Johns Hopkins University Press.

* WORLD BANK, (1975). Rural development: Sector policy paper, Washington DC. world Bank.



1) Improvement approach

3) Entrepreneurial ability

4) Participatory - oriented strategies

5) Ujamaa

6) Parastatal agencies

7) Papa New Guinea

8) Papua New Guinea Development Band

9) Whole farm approach

۲) بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز.

10) Advisory groups

11) Marginal areas

12) Integrity

13) Professionalism

14) Survey

15) Challenges

16) Achievement oriented